

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۷، شماره ۲۹، آذر و دی ۱۳۹۸

نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های رایج خراسان جنوبی

محمد بهنام‌فر^۱ حسین زنگویی^{۲*}

(دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۹ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۳)

چکیده

در این مقاله، عناصر زبانی فرهنگ عامه مردم خراسان جنوبی در تعزیه‌نامه‌های موجود منطقه، شامل اصطلاحات، کنایات افعال، القاب، تحسین‌ها، دعاها، سرصوت‌ها، قسم‌ها، کنایه‌ها، لالایی‌ها، مثل‌ها، نفرین‌ها و واژه‌ها استخراج و سپس هر یک از این عناصر زبانی با ذکر نمونه‌هایی بر اساس روش کار کتاب *زبان و ادبیات عامه ایران* و به شیوه تحلیلی - توصیفی نقد و بررسی شده است. نقد و بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که عناصر زبانی فرهنگ مردم خراسان جنوبی به تدریج در متون تعزیه‌ها وارد شده و بدون تردید در آفرینش یا دست-کم در بازآفرینی آن‌ها، تأثیری عمیق گذاشته است و زبان و بیان تعزیه‌ها را به زبان ساده و رایج مردم نزدیک کرده و با ارائه ابیاتی سرشار از ارزش‌های فرهنگی و بیانی سهل و ساده، زبان تعزیه‌ها را از زبان رسمی متمایز ساخته است.

از سوی دیگر، توجه به کاربرد جملات و عبارات متون تعزیه‌ها، نشان می‌دهد که به دلیل ارتباط و پیوندهای مناسبی که میان عناصر زبانی سازنده جمله‌ها وجود دارد، جملات متون تعزیه‌ها دارای انسجام و استحکام خوبی هستند و دارای پیام‌های مناسب و بیانی رسا هستند.

واژه‌های کلیدی: عناصر زبانی، فرهنگ عامه، تعزیه، خراسان جنوبی.

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول).

*mbehnamfar@birjand.ac.ir.

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند.

۱. مقدمه

تعزیه نمایشی بومی، ایرانی و یکی از مهم‌ترین ارکان مناظره‌های دینی و حماسی است که ظرفیت‌های زبانی بالایی دارد. بررسی عناصر زبانی تعزیه‌نامه‌های خراسان جنوبی به این دلیل اهمیت دارد که با زبانی ساده، روان و نزدیک به محاوره ساخته شده است و بازخوانی آن می‌تواند به افزایش ذخیره واژگانی زبان رسمی مساعدت کند و اصطلاحات و ترکیبات نوساخته‌ای را در اختیار گویشوران زبان معیار قرار دهد.

۲. حوزه و روش تحقیق

این پژوهش برای نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌نامه‌های خراسان جنوبی صورت گرفته است. منابع مورد استفاده نخست، کتاب دوجلدی *حماسه عشق*، تألیف مفید شاطری (۱۳۹۳) است که دارای یازده مجلس تعزیه است. دوم، جلد چهارم مجموعه کتاب *شانزده جلدی فرهنگ تعزیه در جهان ایرانی* تألیف کیوان پهلوان (۱۳۹۷) است که ضمن نقل مجالس مفید شاطری، شش مجلس دیگر هم نقل کرده است. سوم، دوازده مجلس از «شبییه‌نامه‌های خطی خراسان جنوبی» است که حسین زنگویی آن‌ها را جمع‌آوری کرده است.

روش پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و با استفاده از توصیف و تحلیل مطالب موردنظر انجام شده است. ابتدا، منابع اصلی تحقیق شناسایی و مطالعه و تمام نکات زبان فرهنگ عامه در آن‌ها شناسایی و استخراج شده است. سپس، فیش‌هایی بر اساس عناوین و موضوعات زبانی فرهنگ عامه در کتاب *زبان و ادبیات عامه ایران*، تألیف حسن ذوالفقاری (۱۳۹۷) طبقه‌بندی شده و منابع مختلفی که در این حوزه وجود داشته، بررسی شده است. سرانجام، هر عنوان با ذکر نمونه‌هایی تدوین شده است تا امکان تحلیل و نقد آن‌ها فراهم آید.

۳. ضرورت تحقیق

تعزیه یکی از عناصر زبانی و روایی فرهنگ عامیانه و یکی از تلخ‌ترین وقایع تاریخی است که به زبان عامه، ساده و نزدیک به محاوره سروده شده است و با شیوه حماسی و

نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های... _____ محمد بهنام‌فر و همکار

داستانی، در قالب شبیه‌خوانی، نمایش داده می‌شود. نقل تعزیه‌ها، به توسعه زبان رسمی و ادبیات آیینی مساعدت می‌رساند، از این رو، بررسی و تحلیل عناصر زبانی آن‌ها بر اساس یک روش علمی ضروری به نظر می‌آید.

۴. پیشینه تحقیق

سابقه تعزیه در ایران به سوگواری‌های امام حسین^(ع) در عصر دیالمه مربوط می‌شود «طی سلطنت معزالدین لله (۳۶۰ ق / ۹۷۰م) شیعیان مصری، دوره عاشورا را ایام ماتم و اندوه به حساب می‌آوردند و در آیین‌های سوگواری خود نوحه‌خوانی می‌کردند» (بکتاش، ۱۳۶۷: ۱۴۳).

تاکنون درباره تعزیه، آثار مختلفی از قبیل کتاب *تعزیه هنر بومی پیشرو ایران* نوشته پترچلکووسکی، ترجمه داوود حاتمی (۱۳۷۶)، کتاب *نمادهای اسطوره‌ای در سوگواری‌های مذهبی فارس*، تألیف صادق همایونی (۱۳۶۸)، کتاب *نمایش‌های ایرانی*، نوشته صادق عاشورپور (۱۳۸۹)، کتاب *تعزیه، نمایش مصیبت*، تألیف جابر عناصری (۱۳۶۵) و کتاب *زمینه‌های اجتماعی تعزیه و تئاتر در ایران*، نوشته جلال ستاری (۱۳۸۶) تألیف شده است. بیشتر آثار موجود، به تاریخ پیدایش، رواج، موسیقی و اجرای تعزیه‌ها پرداخته و کمتر به تحلیل سبک شناسانه آن‌ها توجه کرده‌اند.

افزون بر آثار ذکرشده، مقالاتی از قبیل «تعزیه و فلسفه آن» (۱۳۶۷) و «تعزیه و تعزیه‌خوانی» (۱۳۷۴) به قلم مایل بکتاش، «درباره تعزیه و تئاتر در ایران» به قلم علی بلوکباشی (۱۳۸۰)، مجموعه مقالات *تعزیه هنر بومی پیشرو ایران* به کوشش چلکووسکی (۱۳۶۷) منتشر شده است.

بررسی‌های نگارندگان و آثار موجود نشان می‌دهد که تاکنون هیچ اثری به بررسی عناصر زبانی فرهنگ عامه خراسان در تعزیه‌ها پرداخته و تنها در دو اثر پیش‌گفته، هجده مجلس تعزیه منتشر شده است.

۴ - ۱. پرسش اصلی تحقیق

مهم‌ترین ویژگی‌های عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های خراسان جنوبی چیست؟

۴ - ۲. تعزیه در لغت و اصطلاح

تعزیه در لغت به معنی، عزاداری کردن، برپاداشتن مجلس عزا برای امام حسین^(ع)، نمایش مذهبی و شبیه‌خوانی آمده است (معین، «تعزیه») و در اصطلاح «به نوعی نمایش آیینی و مذهبی گفته می‌شود که بر اساس واقعه کربلا و شهادت امام حسین^(ع) و یاوران ایشان شکل گرفته است» (بلوکباشی، ۱۳۷۴: ۱۱).

۴ - ۳. پیدایش تعزیه

در باب پیدایش تعزیه، نظرات متنوعی وجود دارد. گروهی آن را هنری ابداعی و مربوط به عصر صفویه و گاه قاجاریه دانسته و گفته‌اند: «در دسته گردانی‌ها، نوحه‌خوانی‌ها و سوگواری‌های گروهی ایام محرم و صفر در دوره صفویان بود که به احتمال نزدیک به یقین، تعزیه از میان این مراسم و دیگر آیین‌های مذهبی به تدریج شکل گرفت و پدید آمد» (بلوکباشی، ۱۳۷۴: ۲).

عده‌ای انگیزه‌های سیاسی و مذهبی را مایه شکل‌گیری تعزیه دانسته و گفته‌اند: به هر حال جانبداری از خاندان رسالت همیشه یک سرپوش مذهبی بود برای نهضت‌های سیاسی ضد عربی ایرانیانی که زیرکانه‌ترین استفاده از این سرپوش را صفوی‌ها کردند. در آن هنگام با رسمی کردن مذهب شیعه و برانگیختن احساسات مذهبی مردم علیه عثمانی سنی مذهب، وحدتی به این سرزمین و مردمش دادند و استقلالی به قلمرو خود. پیدایش و تکامل تعزیه یکی از نتیجه‌های این استقلال سیاسی و مذهبی بود» (بیضایی، ۱۳۷۹: ۱۱۸).

گروهی قالب تعزیه را برگرفته از سنت‌های نمایشی در ایران قبل از اسلام می‌دانند و محتوای آن را برگرفته از فرهنگ مترقی شیعه می‌شمارند و بر این باورند که پس از واقعه کربلا مجالس سوگواری امام حسین^(ع) جانشین سوگواری‌های سیاوش شد: مؤمنان تازه، نیازمند شهیدی از مقدسان خود بودند. البته، شهادت سیاوش نیز وابسته به عالم بالاست؛ اما او نمی‌توانست در نظر مسلمانی مؤمن، مبشر نجات باشد و این آدم دیگر، حسین بن علی، شهید کربلاست و سیاوش الهی جای خود را به او واگذاشت و تعزیه، جای سوگ سیاوش را گرفت (مسکوب، ۱۳۵۴: ۲ - ۸۱).

۴ - ۴. تعزیه‌های خراسان جنوبی

پیشینه تعزیه در استان: از منبع، محل پیدایش و رواج مجالس تعزیه در خراسان جنوبی اطلاع درستی در دست نیست. سفرنامه خانلرخان اعتصام‌الملک، ممیز مالیاتی قاینات که در سال ۱۲۹۳ هجری برابر با ۱۲۵۵ شمسی به بیرجند سفر کرده، تنها منبعی است که از اقامه مجالس تعزیه در دستگاه امیران محلی و حسینیه نواب بیرجند خبر می‌دهد (اعتصام‌الملک، بی‌تاریخ: ۸۱). جلال اکبری که از پیشکسوتان تعزیه استان است می‌گوید: امیر شوکت‌الملک دوم (۱۲۵۹ - ۱۳۲۲ق) قبل از محرم تعزیه‌خوانان یزدی را با ابزار و امکانات لازم دعوت می‌کرد تا هفت دهه، یعنی از آغاز محرم تا هفتاد روز بعد از آن در حسینیه شوکتی، به اجرای تعزیه پردازند. پس از حضور تعزیه‌خوانان یزدی، به دستور شوکت‌الملک افراد علاقه‌مند و مستعد محلی نیز دعوت می‌شدند تا در نمایش تعزیه‌ها شرکت کنند و راه و رسم تعزیه‌خوانی را یاد بگیرند.

مجالس تعزیه: صدها مجلس و ده‌ها جُنگ تعزیه در گوشه و کنار استان، در خانواده‌ها وجود دارد. برخی از این تعزیه‌ها مربوط به واقعه کربلا، مقدمات و وقایع پس از آن و برخی مربوط به شهادت سایر امامان شیعه است. تعدادی دیگر مربوط به زندگی پیامبرانی چون اسماعیل، ابراهیم، ایوب، یوسف^(ع) و دیگران است. پاره‌ای از مجالس هم نوعی گریز است به شرح زندگانی اشخاصی که به نوعی به وقایع کربلا مربوط شده‌اند، مثل خروج مختار، وهب نصرانی، مرد طفل فروش، سلطان قانیا، مرد فرنگی، شاه ختن و ...

ویژگی نسخه‌ها: بنا به تحقیقات میدانی نگارندگان، قدیم‌ترین نسخه‌های تعزیه، جُنگ خانواده هاشمی در گازار است. این جُنگ که روی کاغذهای روسی نوشته شده است، تاریخ ۱۲۳۶ هجری را در سینه دارد. دیگر نسخه روستای سرخُنگ است که تاریخ نسخه‌برداری آن ۱۲۸۵ هجری است. این نسخه‌ها بیشتر به خط نستعلیق و در اندازه‌های مختلف نوشته شده است و نام هیچ شاعری در آن‌ها دیده نمی‌شود.

برخی مجالس تعزیه، فهرستی مربع‌مانند دارد. در سطر نخست نام شبیه‌خوان و در سطر دوم، کلمه اول بیتی آمده است که تعزیه‌خوان باید نقشش را با خواندن آن آغاز کند. برخی نسخه‌ها در دهه‌های نخست ۱۳۰۰ هجری بازنویسی شده است و نام

نسخه بردار و گاه تاریخ آن دیده می‌شود. بنا به گفته برخی پیشکسوتان، تعزیه‌سرایان بیرجندی در سرودن تعزیه‌ها به *خاوران‌نامه* ابن حسام خوشفی نظر داشته‌اند.

ویژگی‌های سبکی: بیشتر تعزیه‌ها دارای انواع صنایع لفظی، معنوی و بدیعی هستند. برخی از این مجالس، ابیات یکدست و منسجمی ندارند، پاره‌ای از ابیات آن‌ها پخته، روان و منسجم و پاره‌ای عامیانه و سست است و طول و وزن ابیات آن‌ها نیز متفاوت است. محتوای ابیات هم یکدست نیستند. گاهی کلام فخیم و استوار و گاه نازل و سطحی است. این تفاوت‌های ساختاری و محتوایی نشان می‌دهد که این تعزیه‌ها، ساخته و پرداخته یک شاعر نیست و احتمالاً در بازنویسی‌های بعدی مورد دخل و تصرف کاتبان قرار گرفته است. برخی مجالس تعزیه مثل تعزیه موسی بن جعفر وجود دارد که مطابق واقعیت‌های تاریخی سروده شده است و ابیات آن‌ها از ابتدا تا انتها، یک دستی و انسجام قابل قبولی دارند. این تفاوت‌های آشکار نشان می‌دهد که برخی سرایندگان تعزیه‌نامه‌ها، افرادی دانا و هنرمند و برخی از مردمان عادی بوده‌اند.

از دیگر ویژگی‌های سبکی تعزیه‌ها به‌طور بسیار مؤجز می‌توان به استفاده از واو معدوله به جای یای مقصوره مثل عقباً به جای عقبی، ط به جای ت، چه به جای چو، همچو به جای همچون، همی به جای می، تبدیل برخی حروف مثل ژ به ج، درجولیده به جای ژولیده، تبدیل د به ت، مثل بتر به جای بدتر و حذف حروف مثل شازدلی به جای شاهزاده علی و ورن، به جای بریند و به‌کار بردن انواع پیشوندها مثل بر، وَر، دَر، وا و... اشاره کرد.

قالب عمده تعزیه‌ها مثنوی، گاه قطعه و گاه مستزاد است. برخی تعزیه‌ها به صورت دوگانه‌خوانی و برخی به صورت چندگانه‌خوانی برگزار می‌شود. بعضی از این گفت‌وگوها حالت مناظره، بعضی حالت مفاخره و بعضی حالت پرسش و پاسخ دارند. برخی تعزیه‌ها مثل تعزیه موسی بن جعفر^(ع)، موقوفه دارد و بنا به وصیت واقف، هر ساله از محل درآمد موقوفه باید اجرا شود.

تعزیه‌خوانان: خوشبختانه در سال‌های اخیر با حمایت و تشویق ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، هنر تعزیه‌خوانی رونق پیدا کرده است. در کنار تعزیه‌خوانان سنتی هم اکنون ۳۳ گروه تعزیه‌خوان حرفه‌ای در استان فعالیت دارند. از برجسته‌ترین

نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های... _____ محمد بهنام‌فر و همکار

تعزیه‌خوانان استانی که به مقامات کشوری هم رسیده‌اند، می‌توان جلال اکبری از روستای بیدسک بیرجند، محمد حسن باغستانی و مفید شاطری از روستای سرخنگ درمیان، علی هاشمی از گازار، محمد حسن روحانی از روستای مهمویی، محمود روایتی از بشرویه، برادران اقبالی و سرفرازی از آرین شهرقاین، تیموری از سرایان، موسوی و رضازاده از سیوجان خوسف و خانواده خزاعی از برکوه سریشه را نام برد. نقش تعزیه‌خوانی در بیشتر مناطق میراثی است و در خانواده تعزیه‌خوانان دست به دست می‌شود و ادامه می‌یابد.

۵. فرهنگ عامه

فولکلور یا فرهنگ عامه به معنای مجموعه‌ای از دانش‌ها، تجربیات و باورهای مردم است که در طول ایام شکل گرفته است. برخی آن را «به معنی دانش عامیانه و دانستنی‌های توده مردم» دانسته‌اند (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۲۶۶). یکی از صاحب‌نظران فرهنگ عامه، آن را فرهنگ غیررسمی تلقی کرده و گفته است:

بسیاری از مسائلی که در فرهنگ رسمی به راحتی قابل شناسایی نیستند، با بررسی و واکاوی فرهنگ عامه، می‌توان با آن‌ها پی برد. به همین دلیل، باید گفت مطالعه هر جامعه‌ای، آنگاه ثمربخش خواهد بود و به نتیجه‌های کاربردی خواهد رسید که علاوه بر فرهنگ رسمی، به فرهنگ غیررسمی نیز ارتباط یابد (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۸ - ۹).

۵ - ۱. عناصر زبانی فرهنگ عامه

یکی از پژوهشگران، عناصر فرهنگ عامه را «مجموعه‌ای از عقاید، باورها، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم، زبان، ادبیات، موسیقی، رقص و بازی، اساطیر، افسانه‌ها، سنن، شعائر، صنایع دستی» دانسته (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۹۲: ۱۱) و برخی هم عناوین مذهب، گویش‌ها، ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها را به آن‌ها افزوده‌اند (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۳۳۳).

سال ۷، شماره ۲۹، آذر و دی ۱۳۹۸ دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

گروهی دیگر ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات، باورها، قسم‌ها، نفرین‌ها، داستان‌ها، ترانه‌ها، افسانه‌ها، لالایی‌ها، دوبیتی‌ها، لغات محلی (عدالت‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱)، برخی هم تصنیف‌ها، حکمت‌ها، مثل‌ها و چیستان‌ها را در آن ردیف آورده (رفعت، ۱۳۹۲: ۳) و اشاره‌ها و تمثیل‌ها را هم از این مقوله دانسته‌اند (عصمتی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۱). ذوالفقاری فرهنگ مردم را شامل مجموعه «باورها، عادت‌ها، آداب و رسوم، جشن‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌ها، افسانه‌ها، ترانه‌ها، مثل‌ها و چیستان‌ها دانسته است» (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۱۰).

هیچ کدام از منابع فرهنگ عامه، از عناصر زبانی فرهنگ مردم ذکری به میان نیاورده است. تنها مؤلف کتاب *زبان و ادبیات عامه ایران* است که عناصر اصلی زبان عامه را چهار قسم، یعنی واژگان، اصطلاحات، کنایات و ضرب‌المثل‌ها دانسته و درباره هر کدام و زیرمجموعه‌های آن‌ها توضیحاتی داده و نمونه‌هایی را ارائه کرده است (همان، ۳۸۴). بنابراین، ما هم با توجه به تقسیم‌بندی‌های این کتاب، مهم‌ترین عناصر زبانی فرهنگ مردم را که در تعزیه‌های خراسان جنوبی آمده است، بررسی می‌کنیم.

۵ - ۲. اصطلاحات

اصطلاح عبارت است از واژه یا گروه‌واژه‌هایی که در میان مردم یک محل یا کشور یا اهل یک علم رواج دارد و برای بیان معنایی خاص به‌کار می‌رود. به عبارتی «اصطلاح، واحد معنی‌داری است که از یک یا چند عنصر زبانی ساخته شده باشد و روی هم، مفهوم واحدی را برساند» (همان، ۳۸۵). اصطلاحات بومی فراوانی در متون تعزیه‌های خراسان دیده می‌شود که ساختارها و کاربردها و مضامین مختلفی دارند.

کاربرد اصطلاحات: هر اصطلاحی در موقعیت و زمان خاصی به‌کار می‌رود؛ مثلاً وقتی مادری بخواهد در حق فرزندش دعایی بکند و رضایت خود را از او اعلام دارد، می‌گوید: شیرم را حلالیت کردم؛ یعنی از حق زحماتی که برایت تحمل کرده‌ام، گذشتم. اگر کسی بخواهد از وقوع حادثه یا مرگ کسی خبر دهد، به مخاطبانش می‌گوید: از خانه فلانی صدای شیون و شین می‌آید؛ یعنی از اهالی منزل فلانی، گریه همراه با ناله‌های بلند شنیده می‌شود که دلالت بر وقوع مرگ و میری دارد. اگر کسی مشغول

نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های... _____ محمد بهنام‌فر و همکار

خوردن غذا یا خوردنی دیگری باشد و فردی با سخنانش او را آزرده‌خاطر سازد، اگر آن فرد بخواهد میزان رنجش خاطرش را از سخنان او اظهار کند، می‌گوید: فلان چیز را بر من زهرمار کردی؛ یعنی خوردن غذا بر من تلخ و ناگوار شد.

مضامین اصطلاحات: هر اصطلاحی به گوشه‌ای از باورها، تکیه‌کلام‌ها، آداب و رسوم، بایدها و نبایدهای فرهنگی، ارزش‌های اخلاقی، آداب و رسوم و گوشه‌هایی از زندگی مردم اشاره می‌کند؛ مثلاً اصطلاح «بلاگردان» به باورهای فرهنگی، «ماتمی» به مراسم اجتماعی، «جاخالی» به آداب و رسوم بومی، «سر میزو - میزان» به تقویم کشاورزی و «بدآمد» به پندارهای دینی اشاره دارد. تمام اصطلاحات، کلمات و ترکیب‌های متون تعزیه‌ها، امروزه با همان ترکیب و تلفظ در میان گویشوران استانی رواج دارد. بعد از این در ذکر شواهد، برای رعایت اختصار، به جای پهلوان، از حرف «پ»، به جای شاطری، از «ش» و به جای زنگویی از «ز»، استفاده خواهیم کرد.

ساختار اصطلاحات: اصطلاحات متون تعزیه‌ها، ساختارهای متفاوتی دارند؛ ولی بیشتر چندواژه‌ای هستند؛ یعنی بیشتر آن‌ها به صورت کلمات مرکب، مشتق مرکب، عبارت فعلی یا ترکیبات عطفی آمده‌اند:

مشتق:

من بی‌باعث و این کودک زار زشر ناکسان یارب نگهدار
(۳۳۴ پ.)

مرکب: جاخالی: احوال‌پرسی از کسی که به دلیلی، از خانه و مسکنش رفته است.
چو روز سوم آید با برادر به جاخالیت آیم جان خواهر
(۶۹۶ پ.)

مشتق - مرکب:

بشنو ای مرد عنید کینه‌جو تا بگویم شرح مرگت موبه مو
(۳۵۰ پ.)

عبارت فعلی:

چون آمدیم و دیدی، به حرف من رسیدی امروز ای برادر بی‌یار و ناامیدی
(۲۳۲ ز.)

ترکیبات عطفی:

سال ۷، شماره ۲۹، آذر و دی ۱۳۹۸ دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

من که می‌بینی به صد شور و نوا هدهدم نزد سلیمان ز سبا می‌آیم
(۱۳ ز).

انواع اصطلاحات:

از سر نو: مجدد، دوباره.

ای خدا صدشکر سازم در جهان از سر نو آمده بر جسم و جان
(۵۶ ز).

اُشترخیزو: هنگام حرکت قافله شتران.
سر میزو کسی مرسه

اُشتر خیزو کسی مرسه
(۴۰۱ پ).

باز از نو: مجدد، نوبت سوم و بیشتر.
الا ای صاحب نامه کجایی

برآور باز از نو یک صدایی
(۵۱۵ پ).

بد آمد: انجام کار به صلاح نیست.
دو استخاره نمودم که هر دو بد آمد

که خیر و شرگنهکار را سواره کنم
(۵۱۹ پ).

بی باعث: زن بیوه.

من بی باعث و این کودک زار زشر ناکسان یارب نگهدار
(۳۳۴ پ).

بلاگردان: فدایی، آنچه مانع رسیدن بلا می‌شود.

یا علی دست من و دامان تو یا علی گردهم بلاگردان تو
(۵۱۸ پ).

به حرف کسی رسید: با صحت ادعای کسی مواجه شد.

به واقعیت سخن کسی پی برد.

چون آمدیم و دیدی، به حرف من رسیدی امروز ای برادر، بی یار و ناامیدی
(۲۳۲ ز).

حرام کرد: الف. تلخ کردن لذت و خوشی زندگی یا چیزی بر کسی.
ب. ناقص و نابود کردن.

نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های... _____ محمد بهنام‌فر و همکار

خدا به قنبر تو زندگی حرام کند
به خاک پای تو عمر مرا تمام کند
(۶۳۰ پ.)

دل دو نیم: دل شکسته.

حسین از جور اعدا دل دو نیم
بزن بر سر برادر جان یتیم
(۶۳ پ.)

دل نیامد: راضی نشدم. دلم اجازه نداد.

دلم ناید که بیدارش نمایم
روم سیلی ز گلزارش نمایم
(۳۹ ز.)

راه ندهد: انجام کار مورد نظر به صلاح نیست.

برای رفتن این راه استخاره کنم
اگر راه ندهد ای خدا چه چاره کنم
(۴۸ / ۱ ش.)

شور و شین: غوغا و شادی جمعی.

ای علمدار سپاه دین حسین
شو تو بیدار و نگر بر شور و شین
(۷۴ ز.)

قراری: مثل همیشه. اصغر نمی‌گردد قراری ای شه خوبان/ از مهد اندازد، گه سینه
بخراشد

(۴۴۵ پ.)

نوکدخدا: تازه داماد.

یک جوانی دست و پایش در حناست
جله جان، آن قاسم نوکدخداست
(۶۳۸ پ.)

۶. گونه‌شناسی اصطلاحات

اصطلاح، واحد معنی‌داری است که در شرایط خاص و برای بیان مفهوم خاص در مناطق مختلف استان، با مفهوم یکسانی به کار می‌روند. اصطلاحات «شامل نفرین‌ها، دشنام‌ها، تعارف‌ها، دعاها، سوگندها، تهدیدها، متلک‌ها، کارگفت‌های ارتباطی، القاب و

سال ۷، شماره ۲۹، آذر و دی ۱۳۹۸ دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

عناوین می‌باشد» (همان، ۳۸۵). به نظر نگارندگان، سرصوت‌ها، لالایی‌ها و چاووشی‌ها را نیز می‌توان در این مقوله قرار داد.

نفرین‌ها: نفرین، عبارت است از واکنشی خشم‌آلود (همان، ۳۸۹) همراه با اظهار تنفر و ذکر.

دعای بد در حق کسی بیان می‌شود. نفرین می‌تواند انگیزه‌های متفاوتی از قبیل، تنفر، کینه، رقابت‌های منفی، تنگناهای زندگی یا عجز و ناتوانی گوینده داشته باشد. ساختار نفرین‌های تعزیه‌ها، جمله‌های دعایی است که گاهی با الهی، آغاز می‌شود و بیشتر با افعال دعایی باد، شود و کند خاتمه می‌یابد.

مضمون نفرین‌ها: مضمون نفرین‌ها عموماً درخواست سختی، گرفتاری، نزول بلا، مرگ و نیستی یا سلب نعمتی از نفرین‌شونده است:

درخواست تنگدستی:

نان و آب بارگاه بادت حرام
بر شما نایخردان بددلجام
(پ. ۳۵۰).

مرگ:

برو که مادرت اندر عزات بنشیند
به ماتمت شب و روز از برات بنشیند
(۲۱ ز).

عاقبت بد:

خدا سیاه کند رویت ای لعین دغا
سیاه روی شوی نزد حضرت زهرا
(پ. ۳۳۴).

نقصان تندرستی:

الهی کور گردد چشم‌هایم
الهی خشک گردد دست‌هایم
(۴۲ / ۱ ش).

زوال نعمت:

زبانست لال باادا ای ستمگر
جفا کردی به این مهمان سراسر
(۵۸۳ پ).

لعن خدا:

من نسازم راز تو افشا به نزد مردمان
لعنت حق بر تو ای لعین بی‌حیا
(۱۶۶ ز).

نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های... _____ محمد بهنام‌فر و همکار

دعاها: دعا نوعی استغاثه به درگاه خداوند، برای بر آورده شدن درخواست‌های دعاکننده است. این دعاها بیشتر از زبان اولیا و برای طلب خیر و نیکی برای خود، وابستگان و نیکان بیان شده است. برخی دعاها با منادا قرار دادن واژه خدا و الهی آغاز می‌شود:

خدایا خیر گردان زبان نعمان را بده تو عاقبتی باب این غریبان را
(۲ / ۱۳۳ ش).

خداوندا نظر بنما به حالم چرا امشب به اندوه و ملالم.
(۶۱ ز).

الهی به اعزاز جد حسین مکن شرمسارم به نزد حسین
(۵۳۸ پ).

بعضی دعاها با افعال دعایی آمده:

اگر جراح جانم را کند شاد الهی از جوانی خیر بیناد
(۲ / ۱۳۳ ش).

حسین جان، جان من بادا فدایت به جان من خورد اینک بلایت
(۶۸۶ پ).

کاربرد دعاها: درون مایه دعاها، غرض گوینده و کاربرد آن را نشان می‌دهد. اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

طلب حسن عاقبت:

مشکور برو که خیر بینی در حشر تو جاودان نشینی
(۴۷ / ۱ ش).

طلب عمر:

یک دم روان شو قلدت بینم تو نوجوانی، مرگت نبینم
(۵۲۳ پ).

طلب رضایت مادر:

برو برو که تو را مادرت حلال کند پی تسلی دل، سیل این جمال کند
(۹۳ ز).

اظهار محبت و فداکاری:

حسین جان جان من بادا فدایت به جان من خورد اینک بلایت
(۶۸۶ پ).

سپاس‌گزاری و تهدید:

اگر به یاری ما آمدی جزاک‌الله اگر به جنگ، تو می‌دانی و رسول‌الله
(۲۱ ز).

طلب نصرت خدا:

برو برو که خدا یار و یاورت باشد همیشه سایه‌الله بر سرت باشد
(۵۱۹ پ).

دشنام‌ها: دشنام، ناسزاگویی و نسبت دادن نام یا صفتی مذموم به فرد یا افراد و یا قوم و قبیله مورد نظر دشنام‌دهنده است. دشنام تعزیه‌ها، به جز مواردی اندک که تند و گزنده است، بیشتر انتساب صفت‌هایی کلی از قبیل ملعون، مردود، لعین، بی‌دین، کافر و... به طرف مقابل است که از ویژگی‌های فکری فرهنگ مردم است و از نوع نگاه منفی آن‌ها به اشقیای دشت کربلا سخن می‌گوید و بار منفی و روانی سنگینی را منتقل می‌نماید. درون‌مایه دشنام‌ها، محتواهای مختلفی دارد:

نسبت بددینی:

مرا بکش تو ای کافر لعین شرار مرا بکش تو ای کافر سگ غدار
(۶۲ / ۱ ش).

نسبت حیوانی:

سگ مردود لعین، نان بخور خواب نما دارم امید که امشب بسپاری جان را
(۵۷ / ۱ ش).

نسبت ستمگری:

برو به شمر بگو ای لعین بی‌پروا مکن به آل علی این قدر تو جفا
(۲۳۴ ز).

نسبت ملعونی:

بیا ای حارث ملعون ابتر بده یک قطره آبی ای ستمگر
(۶۲ / ۱ ش).

نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های... _____ محمد بهنام‌فر و همکار

نسبت‌های منفی قبیله‌ای:

ایما فرقه شوم بی‌دادگر
برون رفته از دین خیرالبشر
(۱۷ ز).

نسبت ناموسی: حرخطاب به عمرسعد:

برو به یک طرف ای ظالم زنازاده
که گشته آتش دوزخ برایت آماده
(۵۳۷ پ).

سوگندها: سوگند، قسم خوردن یا قسم دادن کسی به یکی از مقدسات دینی است تا به این وسیله حقی را اثبات یا باطلی را رد کنند. قسم خوردن بیشتر با ذکر نام اولیای دینی یا اماکن مقدس اتفاق می‌افتد. سوگند تعزیه‌ها، بیشتر به ذکر نام خدا، معصومین و حق آن‌ها یاد شده است:

حق خدا و پیغمبر:

قسم به حق خدا و به حق پیغمبر
که من به پشت تو گردم سوار در محشر
(۶۳۰ پ).

حق فاطمه:

بزرگوار خدایا به حق پیغمبر
به حق فاطمه خاتون عرصه محشر
(۶۳۱ پ).

جان و تن:

بابا به مرگ من که ز مرگم فغان مکن
از آه رخنه بر جگر شیعیان مکن
(۴۲ ز).

محض خدا:

محض خدا اصل و نسب کن بیان
فاش بگو کیستی ای خسته جان
(۴۵۶ پ).

نام خدا:

نمی‌روم به خدا و به حق پیغمبر
نمی‌روم ز درگهش به جای دگر
(۶۲۹ پ).

حرمت قرآن:

دگر به حق محمد به حرمت قرآن
ببخش جرم و گناه تعزیت داران
(۶۳۱ پ).

سال ۷، شماره ۲۹، آذر و دی ۱۳۹۸ دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

نام علی(ع):

به آقایم علی سلطان محشر نخواهم گوشت را پس داد و نه زر
(۶۱۳ پ).

تحسین و تأییدها: تحسین، ستایش کسی است که کار مطلوبی انجام داده است. این امر با گفتن الفاظ تحسین تأیید بیضایی می‌شود. مهم‌ترین الفاظی که برای تحسین و تأیید در تعزیه‌ها مکرر آمده، مرحبا، تبارک‌الله و بارک‌الله است. مضمون سوگندها ستایش نیکی‌هاست که با درون‌مایه‌ای غنی، بار معنایی مثبتی را به مخاطب منتقل می‌کند و بر شوق و ذوق او می‌افزاید:

مرحبا:

مرحبا ای فرد ایوان محبت مرحبا مرحبا ای بلبل باغ محبت مرحبا
(۴۱ ز).

تبارک‌الله:

تبارک‌الله احسن الخالقین کین چه کار است و چه آیین
(۴۶ ز).

بارک‌الله:

معلم آمد و درس غم داد مریزاد، بارک‌الله، مرحبا غم.
(۳۵ / ۱ ش).

۷. کارگفت‌های ارتباطی

منظور اصطلاحاتی است که هنگام دید و بازدید میان افراد گفته و شنیده می‌شود و «در موقعیت‌های مختلف ارتباطی بین اهل زبان رد و بدل می‌شود» (همان، ۳۹۷).

سلام و علیک علی‌اکبر:

السلام ای شاه خویان السلام السلام ای مایه جان السلام

امام حسین(ع):

علیک ای گل گلزار ارغوانی من علیک ای ثمر نخل زندگانی من
(۹۱ ز).

نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های... _____ محمد بهنام‌فر و همکار

پرسش و جواب:

سلطان قیس: چرا حالت چنین افسرده بینم؟
امام حسین(ع): ز بس من طعنه از دشمن شنیدم

(۵۰ ز).

خداحافظی علی اکبر:

مخدرات رسول خدا، خداحافظ به غم نشسته در این ماجرا خداحافظ
(۹۸ ز).

ام لیلا:

برو مادر خدا همراه جاننت محمد با علی پشت و پناهت
(۹۸ ز).

القاب و عناوین: عامه مردم یک محل یا یک شهر، همدیگر را می‌شناسند و از اوصاف فردی و خانوادگی یکدیگر خبر دارند. به همین دلیل به راحتی همدیگر را با عناوین و القاب مناسب یا نامناسب که بیان‌کننده اوصاف آن افراد است، صدا می‌زنند. القاب تعزیه‌ها چند نوع است: القاب مثبتی که اولیا یا دیگران با آن‌ها همدیگر را مخاطب قرار داده‌اند. دسته دوم، القاب منفی که اولیا یا اشقیا به اشقیا نسبت داده‌اند و سوم، القابی که به اشخاص یا اشیای، مختلف نسبت داده شده است.

مشکور خطاب به امام حسین(ع):

کیستی ای آفتاب مه نقاب کز رخت گردیده پنهان آفتاب
(۵۱۸ پ).

طفلان مسلم خطاب به حارث:

بیا ای حارث ملعون ابتر بده یگ قطره آبی ای ستمگر
(۶۲/۱ ش).

جبرئیل به لعیا:

حوری نیکو سرشت، لعبت باغ بهشت گیر به کف آینه، جام صبحی سرشت
(۷۰۶ پ).

سرصوت‌ها: سرصوت در اصطلاح بومی خراسان به واژه‌ها، جمله‌ها و شبهه- جمله‌هایی گفته می‌شود که هنگام کار یا در مجالس هلوکه‌خوانی - مولودی‌خوانی، ماتم

سال ۷، شماره ۲۹، آذر و دی ۱۳۹۸ دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

و شادی از طرف حاضران مانند ترجیع‌بند و به‌عنوان همراهی با تعزیه‌خوان، تکرار می‌شود. هر سرصوت، محتوایی خاص و متناسب با همان مجلس دارد.

واژه تعزیه‌خوان: اگر ناتوانی بگو یا علی

مردم: یا علی

_____ : اگر خسته‌جانی بگو یا علی

_____ : یا علی.

_____ : تنت گر بیفتد میان بلا

_____ : یا علی.

_____ : نترس و بلندتر بگو یا علی

_____ : یا علی

(۲/ ۱۰۱ ش).

جمله بی فعل تعزیه‌خوان: امشب شب وداع است

مردم: فریاد از غریبی

_____ : دشمن پی نزاع است

_____ : فریاد از غریبی (۶۴ ز).

تعزیه‌خوان: جوانان بنی‌هاشم بیایید

مردم: واویلا صد واویلا

_____ : علی را بر در خیمه رسانید

_____ : واویلا صد واویلا (۵۵۴ پ).

شبه‌جمله تعزیه‌خوان: آه اگر زینب رود اندر اسیری

مردم: داد هی، بیداد هی

_____ : آه اگر سکینه خوار گردد

_____ : داد هی، بیداد هی (۶۲۵ پ).

۷ - ۱. لالایی‌ها

در فرهنگ مردم خراسان، لالا در زبان کودکان، به معنی خواب است و لالا کردن کودک یعنی خوابانیدن او. لالایی‌ها همیشه با آهنگ مادرانه زمزمه می‌شوند تا خواب

نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های... _____ محمد بهنام‌فر و همکار

کودک شیرین‌تر باشد. محتوای لالایی‌هایی‌های تعزیه‌ها، بیان آرزوهای مادرانه از قبیل شیر دادن نوزاد و دیدار بیشتر فرزند است. هنگامی که علی‌اکبر، قبل از رفتن به میدان، برای آخرین بار خوابیده است، ام‌لیلا، مادر علی‌اکبر کنارش آمده تا آخرین بار او را ببیند و با او درددل کند. از این رو، خطاب به او می‌گوید:

لالای لای یوسف گل پیرهن لالای لای نوجوان خوش سخن
لالای لای اکبر زار و حـزین بشو بیدار یک دم ای آرام من
(۴۰ ز).

ساختار لالایی‌ها: ساختار لالایی‌های متون تعزیه‌های خراسانی، شکل ثابتی ندارند. گاه به شکل تک‌بیتی و گاه در قالب دوبیتی آمده و قافیه آن‌ها مثل مثنوی یکسان است: تک‌بیتی:

اصـغر صـغـر غیرم لای لای نـاخورده شـیرم لای لای
(۶۵۹ پ).

دوبیتی:

ای اصغر صـغـر غیر مـن ای طفل بی تقصیر مـن
دیشب نخورده شیر مـن لالای لای لای، لالای لای
(۶۶۰ پ).

۷ - ۲. چاووشی‌ها

چاووشی در اصطلاح فرهنگ مردم خراسان، ابیاتی است که افراد خوش‌صدا و جارچیان خوش‌ذوق، برای اعلان روضه‌های شبانه، استقبال یا بدرقه حجج و زواری اماکن مقدسه، حرکت هیئت‌های مذهبی در ایام سوگواری می‌خوانند تا مردم حضور به‌هم رسانند. یکی از موارد استثنایی و جدای از این مراسم، چاووش‌خوانی در میانه بعضی مراسم شبیه‌خوانی از جمله، مجلس شهادت حر و هنگام ورود کاروان امام حسین^(ع) به صحرای کربلاست که چاووشی می‌گوید:

هر که دارد هوس کربلا بسم‌الله هر که دارد سر همراهی ما بسم‌الله
هر که را میل سرافرازی و جان باختن است در رکاب پسر شیر خدا بسم‌الله
(۵۳۱ پ).

سال ۷، شماره ۲۹، آذر و دی ۱۳۹۸ دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

در مجلس تعزیه ورود کاروان امام حسین (ع) به کربلا، فرد پیشخوان به عنوان چاووش می خواند:

ای موالی موسم فصل بهار کربلاست موقع سیر و سفر در لاله زار کربلاست
می کند بانگ جرس اعلام و گوید هر زمان کاروان عشق در راه دیار کربلاست
هر که را در سر هوای لاله و ریحان بود گو بیا هنگامه گشت و گذار کربلاست
سرور آزادگان و شاه مظلومان حسین از حریم کعبه اکنون رهسپار کربلاست
(۱۲ ز).

مضمون عموم چاووشی ها، مطالبی در اشاره به واقعه کربلاست که با آواز دلنشین جارچیان خوانده می شود تا خاطرات واقعه کربلا را در دل ها تجدید کند و مردم را به استقبال یا بدرقه زوار کربلا ببرد. چاووشی ها از نظر قالب، عموماً به قطعه شباهت دارند و قافیه آن ها مثل مثنوی و تعداد ابیات آن ها نامشخص اند.

۸. افعال

افعال زیادی در ابیات تعزیه ها دیده می شود که با همان شکل بومی و رایج خود ثبت شده اند و امروزه هم به همان صورت به کار می روند. ساختمان این افعال را می توان در چهار گروه ساده، مرکب، پیشوندی و گروه فعلی طبقه بندی کرد:

ساده: خزید.

بسه شـاذلی رسـیڈم کـنج مـزار خـزیدم
(۳۵۱ ز).

مرکب: سیل کند.

برو برو که مادرت تو را حلال کند پی تسلی دل، سیل این جمال کند
(۹۳ ز).

پیشوندی: وادار.

مرا پهلوی آن صندوق وادار به چشم ای مادر محزون تبار
(۶۷/۲ ش).

گروه فعلی: به نظر می آید.

ز دور خیمه و خرگاهی آیدم به نظر ز سمت دیگر این خیمه فوجی از لشکر
(۱۷ ز)

نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های... _____ محمد بهنام‌فر و همکار

نمونه‌های دیگر: بر درید (۱۸۶ ز)، ور افتاد (۶۷۲ پ)، وربند (۳۵۱ ر)، ورکن (۳۵۱ ر)، در افتاد (۱۸۶ ز)، رم خورد، کاهید (۱۰۸/۲)، ورگوش خورد (۲۸ ز)، بی دماغ شد (۷۵ ز)، نم کرد (۵۱۶ پ)، واماند (۵۱۷ پ) و بشور (۱/۵۷ ش).

۹. واژگان

زبان به‌عنوان مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های فرهنگ و هویت اقوام مختلف به‌شمار می‌آید. مردم خراسان جنوبی از طریق حفظ گویش‌های خود و کاربرد آن‌ها، توانسته‌اند وضعیت زبانی و فرهنگی خود را نشان دهند. کثرت کاربرد واژه‌های بومی، بافت کلی تعزیه‌ها را به زبان مردم نزدیک و زبان رسمی آن را از یک دستی خارج کرده است. در تعزیه‌های خراسانی، واژه‌های بسیاری وجود دارد که اصالت زبانی و رد پای تعزیه‌نویسان بومی را در تنظیم متون تعزیه‌ها نشان می‌دهد. این واژه‌ها هنوز در محاورات مردم به‌وفور دیده می‌شود. شاید یکی از علل زنده بودن واژگان تعزیه‌ها در میان مردم امروز، این باشد که متن تعزیه‌ها در سده‌ها و دهه‌های اخیر بازنویسی یا سروده شده باشد. نمونه این واژه‌ها عبارت‌اند از:

پَر: کنار، نزد.

ایا معلم دانا، ای نکومنظر
مرخصم بنماتا روم بیر مادر
(۵۹۱ پ).

بی دماغ: دل‌شکسته، ناامید.

تو بلبل چمنی دل‌شکسته داغ شدی
خطا ندیده ز عباس بی دماغ شدی
(۷۵ ز).

پالکی: محمل، کجاوه.

پالکی هارَه ورَبَن
ریشه غم ره ور کن
(۴۰۱ پ).

جوین: نان جو.

خرج تو باشد جوین ای روسیاه
نه برنج صدر اعلا که با روغن بود
(۵۲۲ پ).

سال ۷، شماره ۲۹، آذر و دی ۱۳۹۸ دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

خاد: خود.

عقده دل ره وا گنم درد خاد ره دوا گنم
(۴۰۱ پ.)

خاش: خوش، نیکو.

اؤ ساییه - سایه چنارش چشمه خاش گوارش
(۴۰۱ پ.)

خُد (xod):

همراه. خُدِم بِرِم نه یکه مُعَمِّم دِی لَکَّه
(۳۵۳ ر.)

با هم برویم نه تنها، در این مکان معتکف هستیم.

خرج: خوراک.

من چه گویم در جوابت ای سگ بی نام و ننگ خرج تو باید بود شلغم، نه ماست گوسفند.
(۵۷ / ۱ ش.)

خورد (xurd): خیلی کوچک. شد جهان بر کام بوسفیان از خورد و بزرگ

کوکب بخت همه بر برج عزت آمده

(۳۷ ز.)

دَر/ به در: بیرون.

بدان امیر که یک زن ستاده است به در زند دو دست تحیر ز جور چرخ بر سر
(۶۶۸ پ.)

دُمبِل: دنباله، دُم.

آب قند و دگر ماست و پنیر از خیاران کمرگنده دُمبِل باریک.
(۵۷ / ۱ ش.)

روغن زرد: روغنی که به شیوه سنتی از گره گوسفد می گیرند.

چند گفتم زن نخواهم نان ماست روغن زردم به خانه، شیره انگور هستش
(۵۶ / ۱ ش.)

سَیل: تماشا.

برو برو که تو را مادرت حلال کند پی تسلی دل، سَیل این جمال کند
(۹۳ ز.)

نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های... _____ محمد بهنام‌فر و همکار

سودا (sowda): معامله.

هر چه خواهی کن تو بر من ای لعین بی‌حیا
روز محشر هست سودای تو با آبای من
(۱۵۲ ز).

کاسه سر: جمجمه.

اشک چشم همه تعزیه‌داران با ماست
روز محشر که بجوشد همه را کاسه سر
(۵۶۴ پ).

کاکل: زلف.

جان خواهر، جان من بادا فدای کاکلت
جان من بادا فدای کاکل چون سنبلیت
(۹۵ ز).

کدخدا:

حال ای شمشیر چون افعی اندر کوهسار
خویش را پنهان نمودی از چه بابت لای غار
داماد. بزنی را که قاسم کدخدا شد
عروسی خانه قاسم عزا شد
(۵۱۶ پ).

گل سرشور: گلی که با آن موها را بشویند.

گل سرشور حاضر کن بر من
چه خواهی گل، به قربان سرت من
(۲ / ۵۵ ش).

لا: درون، میان.

حال ای شمشیر چون افعی اندر کوهسار
خویش را پنهان نمودی از چه بابت لای غار
(۲۳۸ پ).

لگه (lakka):

کمکان، محل. خُدم برم نه یگه مُعْتَكِفِم دی لگه
(۳۵۳ ر).

ناشور: نشسته.

آب جاری در حوالی، ظرف تو ناشور هست
ای ضعیفه، آنچه گویم من، تو را منظور هست
(۵۲۲ پ).

سال ۷، شماره ۲۹، آذر و دی ۱۳۹۸ دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

نقص: شادی. گویشی و پر بسامد است؛ مثلاً می‌گویند: نقص فلانی را کور کردند؛ یعنی شادی او را تلخ ساختند.

گو چه بنوشته به تو در نامه، مضمونش بگو نقص ما نقصان شود از نقص و نقصان یزید (۶۳۴ پ).

نالی: تُشک. تا کی نشینم وَر نالی / وخی برم به شازدلی (۳۵۱ ر). وخی = برخیز، شازدلی = شاهزاده علی.

۱۰. کنایات عامیانه

کنایه، کلمه یا عبارتی است که ظاهر آن بر معنایی خاص دلالت می‌کند؛ ولی بیشتر اوقات هدف گویند از آن، انتقال معنای غیرحقیقی و مجازی آن به مخاطب است. به عبارت دیگر، کنایه «هر کلمه‌ای است که دلالت بر معنایی کند که هم بر حقیقت بتوان حمل کرد و هم بر مجاز» (همان، ۳۹۹).

کنایات از پربسامدترین عناصر فرهنگ مردم در تعزیه‌نامه‌های رایج خراسان جنوبی است. دلیل کثرت کاربرد آن‌ها در تعزیه‌ها، این است که مفاهیم و مصادیق آن‌ها از سفره گفتاری و پنداری مردم برگرفته شده است و هیچ تباعد زبانی و معنایی در آن‌ها وجود ندارد و عموم مردم با کاربرد موقعیتی و دریافت بار معنایی آن‌ها آشنایند؛ در نتیجه سرایندگان و ناقلان تعزیه‌نامه‌ها کوشیده‌اند با استفاده از این عنصر زبانی، ارتباط کلامی خود را به مردم نزدیک‌تر کنند و در قالب کوتاه‌ترین عبارات، بیشترین بار معنایی را به آنان انتقال دهند.

بر اساس بافت و صبغه زبانی و حجم بالای بومی متن تعزیه‌ها، می‌توان ادعا کرد که به‌طور قطع، ذوق سرایندگان بومی و منطقه‌ای در آفرینش یا بازنویسی تعزیه‌ها دخالت مؤثر داشته است. بیشتر کنایه‌ها، ساختاری متشکل از واژه‌های محاوره‌ای و پیش‌زمینه‌های فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی دارند و دارای بار معنایی بالا، مفهوم روشن و رسا هستند. تمام این کنایات زنده و در زبان مردم جاری است. از آن نمونه‌هاست:

انار شادی کسی را چیدن، کنایه از در مجلس شادی کسی شرکت کردن.

صد حیف که شادی‌اش ندیدم نار شب شادی‌اش نچیدم

(۹۸ ز)

نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های... _____ محمد بهنام‌فر و همکار

بوی کسی از کسی آمدن، کنایه از تداعی شدن اوصاف و نشانه‌های فردی با دیدن فردی دیگر.

مکن کباب دل و جانم، ای علی‌اکبر جهنم که آید از گل روی تو، بوی پیغمبر
(۹۷ ز).

جهنم را خریدن، کنایه از کار خلافی مرتکب شدن یا ظلم و ستمی در حق کسی کردن.

تو ای غافل به کام دل رسیدی جهنم را برای خود خریدی
(۱۹۷ ز).

داغ نهادن، کنایه از رنجیده‌خاطر کردن، تازه کردن غم و اندوه گذشته کسی.
بام حسین نرفته چرا گریه می‌کنی؟ بر روی داغ اکبرخود داغ می‌نهی
(۴۰ ز)

دل از ضعف رفتن، کنایه از غلبه سستی و بی‌حالی.
دل از ضعف رفت ای حی داور نخواهم زندگی در دهر دیگر
(۶۱۰ پ)

زهر کردن لقمه، کنایه از تلخ و ناگوار ساختن خوردنی یا لذتی بر کسی.
ای عقرب جراره مزین نیش زبان را بر این دل من زهر مکن لقمه نان را
(۵۷/۱ ش)

شور و شین افکندن، کنایه از ایجاد هیاهو و ازدحام.
افکنم در شهر کوفه شور و شین و غلغله تا نویسند نام من بر سر دروازه‌ها
(۳۳۸ پ)

مرغ هوا شدن، کنایه از ناگهان از صحنه‌ای دور شدن. ترک کردن جایی به‌طور غیرمنتظره.

ره فرار ندارد کزین بلا برهد مگر که مرغ شود از ره هوا برود
(۲۶ ز).

نام مادر کسی را بردن، کنایه از به ناموس کسی جسارت کردن
گر کسی می‌برد نام مادرم ای شهریار پیکرش را چاک می‌کردم ز تیغ آبدار
(۲۲ ز).

هنگامه محشر شدن، کنایه از اجتماع و ازدحام جمعیت در جایی.
بار الها کربلا هنگامه محشر شده بهر قتل یک نفر، عالم پر از لشکر شده
(۳۹ ز)

۱۱. ضرب المثلها

مثلها از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های عناصر زبان فرهنگ عامه هستند که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. این امثال، برای بیان ارزش‌های فردی و اجتماعی و دانش عوام در حوزه‌های مختلف به کار می‌رود.

۱۱ - ۱. مضامین ضرب المثلها

مضمون مثل‌های متون تعزیه‌ها، به مسائل اجتماعی، آیین‌ها، باورها، اعتقادات و موضوعات فرهنگ مردم اشاره دارد و خواننده را با گوشه‌هایی از گنجینه فرهنگی، عبرت‌ها، تجربه‌ها، مبانی اخلاقی، پند و اندرزهای گویشوران آشنا می‌کند. کاربرد مثل‌ها بر جاذبه‌های گفتاری و دلنشین‌تر شدن متون تعزیه‌ها، تأثیر بسزایی گذاشته است.

۱۱ - ۲. ساختار ضرب المثلها

ضرب المثل‌هایی را که در متون تعزیه‌ها آمده است، از نظر ساخت، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول مثل‌هایی هستند که خلاصه یک بیت‌اند و گوینده بیشتر به نقل مضمون آن‌ها توجه داشته و بعد، بخشی از آن مثل را با تغییراتی در کلامش آورده است. دسته دوم مثل‌هایی هستند که سراینده‌گان تعزیه‌ها قالب کامل آن را برای بیان مقصودشان به کار گرفته‌اند. بخشی از این امثال که قالب جمله دارند، مثل‌های رایج بومی و برخی دیگر، از امثال سایر هستند که در میان فارسی‌زبانان متداول است. نمونه‌های دسته اول:

- آب رفته به جو باز آمد.

دشمن آتش‌پرست بادپیما را بگو خاک بر سر کن که آب رفته باز آمد به جو
(۶۷۵ پ).

نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های... _____ محمد بهنام‌فر و همکار

این مثل در میان مردم، به صورت: آب رفته به جو بر نمی‌گردد، به کار می‌رود.

- آفتاب عمر روی بام پریده است:

بین آفتاب عمر پریده است روی بام در باب عاشقت که چه سان زار و مضطرب است (۴۳۴ پ).

در زبان رسمی مصراع اول آن، به صورت: آفتاب عمر به لب بام رسیده، به کار می‌رود.

- دل ملک از غصه آب شد:

ای حوریان دل ملک از غصه آب شد زهرا در انتظار علی دل کباب شد (۶۵ / ۲ ش).
که اصل آن از این مثل گرفته شده است: گوساله تا گاو شود دل صاحبش از غصه آب شود.

- مرغ شود، از ره هوا پبرد:

ره فرار ندارد کزین بلا برهد مگر که مرغ شود از ره هوا پبرد (۳۶ ز).

در زبان عامه به این صورت تلفظ می‌شود: «مرغی شد و ور هوا پرید».

- با رنگ چون مار آمده:

یک سر زره کرده به بر، خود کیان بنهاده سر بر قتل اولاد بشر، با رنگ چون مار آمده (۳۶ ز).

این عبارت دو مثل را تداعی می‌کند: الف. فلانی مار خوش خط و خالی است؛ یعنی خوش ظاهر و بد باطن است. ب. مار به هر سرزمینی که برود، به همان رنگ در می‌آید؛ یعنی فلانی ریاکار است.

- گلی که من به سر زدم.

گلی که من به دیار بلا زدم بر سر به اهل بیت دهد در زمین کوفه ثمر (۶۲۴ پ).

اصل مثل در گویش مردم این گونه است: هر گلی که بزندی، به سر خودش زده است؛ یعنی هر کاری بکند، نفعش به خودش بر می‌گردد.

سال ۷، شماره ۲۹، آذر و دی ۱۳۹۸ دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

- برادری و پشتم از تو قویست:

برادری تو و پشتم قوی بود از تو وگر شوی کشته، ضعیف گردم و زار
(۷۶ ز).

اصل مثل در گویش خراسانی:

برادر پشت، برادرزاده هم پشت درخت بی برادر کی کند رشد

- چون بر تو عیان است، چه حاجت به بیان است:

گویم چه عموجان به برت مطلب خود را چون بر تو عیان است چه حاجت به بیان است
(۶۹۱ پ).

اصل مثل: چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است.

- نه رویی در غریبی و نه امید وطن دارم:

نه رویی در غریبی و نه امید وطن دارم خدایا سرنگون گردد از این بختی که من دارم
(۱۳۳ ز).

اصل مثل:

نه در غربت دلم شاد و نه رویی در وطن دارم الهی بخت برگردد از این طالع که من دارم
دسته دوم: مثل‌هایی هستند که به صورت کامل و تقریباً شکل رایج آن در تعزیه‌ها
آمده است.

- با آل علی هر که درافتاد، برافتاد:

در بادیه روآورم از سطوت مختار با آل علی هرکه در افتاد، ورافتاد
(۶۷۲ پ).

- داغ بر روی داغ می‌نهی:

بابم حسین رفته، چرا گریه می‌کنی بر روی داغ اکبر خود داغ می‌نهی
(۴۰ ز).

- چشم بر نمک پوشیدی:

ما شنیدیم که چشم بر نمک پوشیده‌ای امر ما را کرده‌ای اندر تکاسل اختیار
(۸۹ ز).

- جگرها خون شود تا یک نهالی بارور گردد رسد جانها به لب تا یک پسر مثل پدر گردد
(۹۰ ز).

نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های... _____ محمد بهنام‌فر و همکار

-سلام روستایی بی طمع نیست:

سلام شب آدم باشم تو را دربان
سلام هیچ روستایی نباشد بی طمع، دان
(۵۶۳ پ.)

-مانند پروانه دور او می‌گردد:

گشتند همه بر دور او مانند پروانه
جن و ملک گریان شدند زان آه و زان ناله
(۴۵۲ پ.)

- مثل اسپند، بر می‌جهد:

شما به سان سپند برجهید زجای
قدم به مجلس سلطان روم بازنهدید
(۷۱۳ پ.)

- مثل خر در گل مانده است:

بکن فکری به حالم ای جوانمرد
که همچون خر دوپایم مانده در گل
(۶۷۳ پ.)

- مثل دیگ می‌جوشد:

آن هم از جور چرخ خاموش است
دل سیدچو دیگ در جوش است
(۵۵۲ پ.)

- نان گندم گر نباشد، نان جو:

نان گندم گر نباشد نان جو
لعنت حق بر تو زین جا دور شو
(۲۹ ز.)

۱۲. نتیجه

بررسی متون تعزیه‌های رایج خراسان جنوبی نشان می‌دهد که شاعران و تعزیه‌سرایان این منطقه، توانسته‌اند با کمک عناصر زبانی خود از طریق خلق مجالس تعزیه یا بازنویسی مجدد آن‌ها، بر زبان رسمی تعزیه‌ها، تأثیرات عمیقی بگذارند. واژه‌ها، ترکیبات، اصطلاحات، کنایات دعاها، نفرین‌ها، افعال، سرصوت‌ها، قسم‌ها، تحسین و تأییدهای زبان گویشی مردم خراسان، بخش مهمی از عناصر زبانی تعزیه‌های موجود را تشکیل می‌دهد. وجود این عناصر گویشی و پیش‌زمینه‌های موضوعات فرهنگ مردم، بافت کلی زبان و بیان تعزیه‌ها را به رنگ زبان مردم نزدیک کرده و بر

ساخت گفتاری زبان معیار سایه افکنده است. بیشتر ابیات تعزیه‌ها، دارای لحن روایی و زبان ساده و پرداخته‌شده با عناصر زبان محاوره‌ای مردم است، مانند مصراع‌های: برو تو چادر خود را به سر کن، دو استخاره نمودم که هر دو بد آمد و ابیات: سرزده داخل مشو تو به خلأ آدم است/ حرمت ریش سفید بر همه کس لازم است. چه شب‌ها تا سحر زحمت کشیدم/ برای حجله‌ات تختی نچیدم و... که نشان درستی این ادعاست؛ زیرا در قالب همین زبان و بیان است که واژه‌های گویشی و دم دستی دُمبل باریک، ناشور، کاکل، نالی، پالکی و کنایات شفاهی زهر هلاهل، شور و شین افکندن، لقمه را زهر مار کردن، مَثَل‌های چشم از نمک پوشیدن، مَثَلِ اسپند ور جهیدن، چاووشی‌های خوش‌آهنگ و خاطره‌انگیز، لالایی‌های مادرانه اصغر صغیر من و اکبر گل پیرهن، نفرین‌های سرزنش‌آمیز رویت سیاه، خدا مرگت دهد، زیانت لال گردد و دعا‌های به حق خدا و پیغمبر و فاطمه و قَسَم‌های خالصانه و مردمی محض خدا، محض روی پیغمبر و سرصوت‌های محاوره. ای داد هی، بیداد هی، به تعزیه‌ها وارد شده و صبغه عامیانه‌گی آن‌ها را برجسته ساخته است.

نقد و بررسی‌های به‌عمل آمده نشان می‌دهد که عناصر زبانی فرهنگ مردم خراسان جنوبی در لابه‌لای ابیات تعزیه‌ها وارد شده و بدون تردید در زبان و بیان زبان رسمی نفوذ کرده و در پردازش مجالس تعزیه، تأثیرات عمیق خود را به جا گذاشته و زبان و بیان تعزیه‌ها را به زبان ساده و رایج مردم نزدیک کرده و با ارائه ابیاتی سرشار از ارزش‌های فرهنگ مردم، با بیانی سهل و ساده، زبان تعزیه‌ها را از زبان رسمی متمایز ساخته است. از سوی دیگر، توجه به کاربرد جملات و عبارات متون تعزیه، نشان می‌دهد که به‌دلیل ارتباط و پیوندهای مناسبی که میان عناصر زبانی و اجزای سازنده جمله‌ها وجود دارد، جملات متون تعزیه‌ها به‌دلیل به‌کارگیری درست تمهیدات پیوندی، انسجام دستوری و استحکام معنایی خوبی دارند. از تعقیدات لفظی و معنوی خالی و دارای مفاهیم روشن و بیان رسا هستند.

منابع

- اعتصام‌الملک، خانلرخان (بی‌تاریخ). سفرنامه. به‌کوشش منوچهر محمودی. تهران: فردوسی.

نقد و تحلیل سبکی عناصر زبانی فرهنگ عامه در تعزیه‌های... _____ محمد بهنام‌فر و همکار

- بکتاش، مایل (۱۳۶۷). «تعزیه و فلسفه آن». *تئاتر*. ش ۱. تهران: انجمن هنرهای نمایشی. ص ۱۴۲.
- بلوکباشی، علی (۱۳۷۴). *درباره تعزیه و تئاتر در ایران*. به‌کوشش لاله تقیان. تهران: نشر مرکز. ص ۱۲۹.
- بیضایی، بهرام (۱۳۷۹). *نمایش در ایران*. چ ۲. تهران: روشنگران.
- پهلوان، کیوان (۱۳۹۷). *فرهنگ تعزیه در جهان ایرانی*. ج ۴. تهران: آرون.
- چلکوسکی، پترجی (۱۳۷۶). *تعزیه نمایش بومی پیشرو ایران*. ترجمه داود حاتمی. تهران: علمی و فرهنگی. ص ۱۶۴.
- حاجی‌زاده میمند، مسعود (۱۳۹۲). *فرهنگ عامه ابرکوه*. یزد: تیک.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۷). *زبان و ادبیات عامه ایران*. تهران: سمت.
- رضوانی، نرگس (۱۳۹۷). *ادبیات عامه شهرستان بشرویه*. تهران: موجک.
- رفعت، فاطمه (۱۳۹۲). *بررسی ادبیات عامیانه خور و بیابانک*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۲). *مبانی انسان‌شناسی (گردشهر با چراغ)*. تهران: عطار.
- ستاری، جلال (۱۳۸۶). *زمینه اجتماعی تعزیه و تئاتر در ایران*. تهران: مرکز.
- شاطری، مفید (۱۳۹۲). *حماسه عشق*. ج ۲. تهران: فکر بکر.
- طباطبایی اردکانی، محمود (۱۳۸۱). *فرهنگ عامه اردکان*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عاشورپور، صادق (۱۳۸۹). *نمایش‌های ایرانی*. تهران: سوره مهر.
- عصمتی مقدم، زهرا (۱۳۸۹). *فرهنگ عامیانه مردم کاشمر*. مشهد: به نشر.
- عناصری، جابر (۱۳۶۵). *تعزیه نمایش مصیبت*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- مجللی، اسماعیل (۱۳۹۷). *شبیانه‌نامه*. تهران: فکر بکر.
- محجوب، محمد جعفر (۱۳۸۲). *ادبیات عامیانه ایران*. چ ۱. تهران: چشمه.
- محمدزاده، مرضیه (۱۳۸۹). *عاشورا در شعر معاصر و فرهنگ عامه*. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۵۴). *سوغ سیاوش (در مرگ و رستاخیز)*. چ ۳. تهران: خوارزمی.
- همایونی، صادق (۱۳۸۶). «نمادهای اسطوره‌ای در سوگواری‌های فارس». *کتاب ماه هنر*. تهران: خانه کتاب. ص ۵۶ - ۸۶.

A Critical Analysis of the Linguistic Elements of Folklore in Southern Khorasan common Ta'ziyeh

Mohammad Behnamfar*¹ Hossein Zangouyi²

1. Professor of Persian Language and Literature, Birjand University.
2. PhD Candidate of Persian Language and Literature, Birjand University.

Received: 20/09/2019

Accepted: 14/12/2019

Abstract

In this article, the linguistic elements of folklore culture of Ta'ziyeh in Southern Khorasan are analyzed. To this aim, elements such as idioms, conjunctive verbs, titles, acknowledgments, murmurs, swear words, allegories, lullabies, proverbs, curses and words, are extracted. Then, each of these linguistic elements is presented with samples based on the method borrowed from *Iranian Folklore Language and Literature* and critically and analytically reviewed. The reviews show that the linguistic elements of the culture of Southern Khorasan's people are imported through the verses of Ta'ziyeh, as indigenous words, idioms, allegories, new compositions and other linguistic elements. These have undoubtedly profoundly influenced on the creation of the Ta'ziyehs, or at least the recreation of them, and has brought the language of Ta'ziyeh into the simple and common language of the people, thus, providing easy and simple expressions of cultural and expressive values. This has distinguished the language of the Ta'ziyeh from the official language. On the other hand, the texts of the Ta'ziyeh show that due to the proper links and connections among the constituent linguistic elements, the sentences in the texts of the Ta'ziyeh have a proper consistency and cohesion as well as suitable messages and expression.

Keywords: Linguistic element, Folklore, Ta'ziyeh, South Khorasan.

*Corresponding Author's E-mail: mbehnamfar@birjand.ac.ir